



بررسی رابطه بین اقتدار والدین و مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال منطقه ه شهر اصفهان، سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲

آیدا پناهی کیا^{۱*}، ساغر صالحی^۲، نیکا سلیمی^۳، هانیه نجفی^۴

۱- نویسنده مسئول، دانشجو کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران

۲- دانشجو کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران

۳- دانشجو کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران

۴- دانشجو کارشناسی روانشناسی دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران

چکیده

یکی از مسائل مهم در روانشناسی تربیتی، توجه به موضوع مسئولیت در مورد رشد و تکامل انسان است. دلیل اهمیت زیاد اصل مسئولیت این است که باعث تعامل شایسته بین انسان ها می شود و مسائلی که توسط دولت ها، سازمان های اجتماعی، سیاسی و... قابل حل نیست، با تغییر در سبک زندگی مردم امکان پذیر است. خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی نقش مهم و تاثیرگذاری در مسئولیت کودکان، جوانان و حتی بزرگسالان دارد. هدف از پژوهش حاضر، تعیین بررسی رابطه بین اقتداروالدین واحساس مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله منطقه ه شهر اصفهان بود. این مطالعه به روش توصیفی (از نوع همبستگی) بر روی ۲۰۰ نفر از کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال شهر اصفهان منطقه ه در سال تحصیلی ۱۴۰۳_۱۴۰۲ انجام شد. کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند. و از پرسشنامه مسئولیت پذیری هاریسون گاف و پرسشنامه اقتدار والدین بوری PAQ استفاده گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS سری ۲۶ از آمار استنباطی همبستگی، رگرسیون چند گانه به روش همزمان t مستقل تحلیل شدند. براساس یافته های پژوهش حاضر بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و مسئولیت پذیری رابطه وجود دارد. نتایج این مطالعه نشان داد بررسی رابطه اقتداروالدین و مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال میتواند اثربخش باشد و شیوه اقتداروالدین تاثیر مثبت بیشتری بر مسئولیت پذیری فرزندان دارد.

واژگان کلیدی: شیوه های فرزند پروری، سبک فرزند پروری مقتدرانه، مسئولیت پذیری



مقدمه:

انسان موجودی اجتماعی است و برای ادامه ی حیات نیازمند تعامل با سایر انسان ها است؛ لذا برای برقراری ارتباط، لازم است بیاموزد چگونه بستری مناسب، برای برطرف کردن نیاز های خود و سایرین را فراهم کند (فرانو ساfran، ۱۹۸۵). ارتباط موثر با دیگران نیازمند مجموعه های از مهارت ها است که یکی از مهم ترین آن ها مسئولیت پذیری است. مسئولیت پذیری یکی از اساسی ترین ابزار های موفقیت است. در واقع، قبول مسئولیت در زندگی نقطه آغاز تمام دستاوردهای بزرگ است؛ زیرا انسان بدون پذیرش مسئولیت از تعیین اهداف زندگی اش نیز اجتناب میکند (حاجی زاده آورجه، ۱۳۹۳).

اگرچه مسئولیت به روش های مختلف مفهوم سازی میشود، محققان معمولاً بر جنبه های فردی و اجتماعی آن تمرکز کرده اند. مسئولیت فردی به این معنی است که یک فرد نسبت به خودش و همچنین نیازها یا رفاه دیگران پاسخگو باشد (رویتر، ۲۰۰۲). علاوه بر این، مرگلر (۲۰۰۷) و شیلد (۲۰۱۶) نیز بر این باور هستند که مسئولیت فردی توانایی تعیین و تنظیم افکار، احساسات و رفتار خود به همراه تمایل به پاسخگویی برای انتخاب های صورت گرفته و پیامدهای شخصی و اجتماعی ایجاد شده است. علاوه بر مسئولیت فردی، مسئولیت اجتماعی به ارزش هایی مربوط می شود که رفتارهای اخلاقی، اجتماعی و مدنی افراد را ترویج می کند (ری - لیک و سیورتن، ۲۰۱۱) و شامل تصمیمات و اقداماتی است که به نفع دیگران و جامعه است (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۵؛ وونگ، ۲۰۱۵). به طور کلی مسئولیت پذیری به معنای افزایش مقاومت فرد در برابر شرایط است تا به جای پیروی از فشارهای بیرونی از الزام های درونی تبعیت کند. به عبارت دیگر، مسئولیت پذیری یکی از ویژگی های شخصیتی انسان ها است که تاثیرات زیادی بر زندگی افراد به خصوص کودکان و نوجوانان دارد (کلمز، علی پور، ۱۳۸۵).

به عنوان مثال بررسی های انجام شده نشان می دهد که شکل گیری مسئولیت بر موفقیت فرد در فعالیت های مرتبط با آموزش تاثیر می گذارد. و عدم شکل گیری آن دلیل اصلی ناکامی برخی از دانش آموزان است. همچنین مسئولیت پذیری تاثیر بسزایی در افزایش عزت نفس دانش آموزان دارد (ارسلان، وونگ، ۲۰۲۲). علاوه بر این مسئولیت پذیری به عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر عبور از چالش های زندگی نظیر مرگ یا طلاق والدین، نقش بسیار برجسته ای را برای کودکان و نوجوانان ایفا می کند. لازم به ذکر است، مسئولیت پذیری نوعی نگرش اکتسابی به شمار میرود که از ابتدای زندگی به تدریج ایجاد میشود؛ بنابراین بستگی زیادی به تجارب افراد در خانواده و اجتماع دارد. پژوهش های زیادی بیانگر این موضوع هستند که خانواده در شکل گیری مسئولیت پذیری در افراد بیشترین میزان تاثیر گذاری را دارد (لنزی و همکاران، ۲۰۱۴، ایواری و همکاران، ۲۰۱۵). براین اساس، در سنین نوجوانی و سنین قبل از بزرگسالی که سن اکتشاف هویت، سن بی ثباتی و سن تمرکز بر خود است مسئولیت پذیری در بطن خانواده شروع به شکل گرفتن می کند.

همدلی، نوع دوستی، احساس گناه و مقاومت در برابر وسوسه، سازه های مرتبط با توسعه ی مسئولیت پذیری هستند. این سازه ها از سنین پایین در نتیجه ی رابطه ی والدین و فرزندان ایجاد می شوند. از این رو، تصور می شود که تعامل والدین و

14th International conference ON PSYCHOLOGY OF EDUCATION SCIENCES AND LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

September 15, 2024



فرزندانشان سرچشمه ی مسئولیت پذیری است. تعامل والدین و فرزندان یا همان فرزندپروری مجموعه هایی از تعاملات فشرده است که والدین، با برآوردن نیازها، آموزش، راهنمایی و القای ارزشهای اخلاقی به کودکان، محرک هایی را فراهم میکنند تا کودکان بتوانند نظم و انضباط داشته باشند و با تقویت آن بتوانند به رشد و تکامل بهینه پردازند (سوپردادی، ۲۰۲۱). در حقیقت، والدین برای تربیت فرزندان خود یک سبک و شیوه ی فرزندپروری انتخاب میکنند و بر اساس آن گام برمیدارند. اصطلاح "سبک فرزندپروری" از روانشناسی رشد نشأت می گیرد و به راهبردهای گسترده ای اطلاق می شود که والدین در تربیت فرزندان خود دنبال می کنند.

تا کنون سبک های فرزند پروری متعددی توسط نظریه پردازان ارائه شده است که یکی از شناخته شده ترین آنها الگوی دایانا بامریند است. بامریند (۱۹۹۱) با مشاهده تعامل والدین و فرزندان و بر اساس دو شاخص اصلی یعنی میزان توقع و پاسخدهی والدین به طور کلی، رفتارهای فرزند پروری را در سه گروه مقتدرانه، مستبدانه و سهلگیرانه طبقه بندی کرد (بامریند ۱۹۷۱، به نقل واین و استوارت - براون ۲۰۰۸) در فرزندپروری مقتدرانه والدین به شیوهای مسئولانه با آگاهی از پیامدهای کمبود یا افراط در محبت، با ابراز محبت متعادل به پاسخدهی مناسب میپردازند، و با توضیح قواعد و انتظاراتشان برای فرزندان استقلال را در وجود آن ها پرورش میدهند. این سبک فرزندپروری رفتار بالغانه را به ارمغان می آورد. در مقابل، در سبک فرزندپروری مستبدانه که با تقاضای بالا و پاسخدهی کم والدین مشخص میشود، والدین انتظارات زیادی از فرزندان خود دارند و در تعامل با فرزندان خود عواطف کمی نشان میدهند و از نظر تربیتی خشن و تنبیه گر هستند. همچنین والدین دارای سبک فرزند پروری سهل گیرانه توقع کم و پاسخدهی بالا را در الگوی تربیتی خود اعمال می کنند (فراهینی و همکاران، ۱۳۹۲).

پژوهش های اخیر بیانگر این موضوع هستند که سبک فرزند پروری والدین با توجه به جنسیت و سطح تحصیلاتشان متفاوت است و در پی تغییر نسل در چندین دهه ی گذشته فرزند پروری والدین از سبک مستبدانه به مقتدرانه در حال تغییر است (یافه، ۲۰۲۳). همچنین در این پژوهش ها اشاره شده است که والدین طبقات اجتماعی بالاتر تمایل به اتخاذ سبک فرزندپروری سهلگیرانه دارند و همچنین والدین در کشورهایی که نابرابری اقتصادی بالاتری دارند، تمایل به اتخاذ سبک فرزندپروری مستبدانه دارند. در مقابل، والدین در کشورهایی که نابرابری اقتصادی کمتری دارند، تمایل بیشتری به اتخاذ سبک سهل گیرانه دارند. (دوپکه و زیلیباتی، ۲۰۱۷، دوپکه و زیلیباتی ۲۰۱۹، دوپکه و همکاران، ۲۰۱۹).

بامریند در بررسی های خود به این نتیجه رسید که سبک فرزند پروری مقتدرانه در مقایسه با سبک های مستبدانه و سهل گیرانه به میزان بیشتری در رشد شایستگی اجتماعی افراد تاثیر گذار است. در مقابل استفاده نادرست از کنترل و ارتباط هیجانی منفی بین والد و فرزند با بزهکاری و مشکلات رفتاری کودک در آینده مرتبط است (غنی پور و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج حاصل از بررسی های صورت گرفته در رابطه با سبک های فرزند پروری (ویس و شوارتز، ۱۹۹۶، به نقل از تری، ۲۰۰۴) نشان دهنده ی نقش تعیین کننده ی سبک های فرزند پروری در خروجی های رفتاری در فرزندان بود. در مطالعات

14th International conference ON
PSYCHOLOGY
OF EDUCATION SCIENCES AND
LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

September 15, 2024



صورت گرفته، فرزندپروری مقتدرانه با خروجی های مثبت رفتاری، از جمله افزایش قابلیت ها، استقلال و عزت نفس، و نیز بهبود مهارت های حل مسئله و عملکرد تحصیلی، افزایش خود-اتکایی، کاهش کجروی و ارتقاء روابط با همتایان مرتبط دانسته شده است (بارنس، ۲۰۰۲؛ بامریند، ۱۹۹۱؛ بیستریسکی، ۲۰۰۰؛ لیندرو همکاران، ۱۹۹۹؛ لومیو ۱۹۹۹؛ پتیو و گامینگر، ۲۰۰۰؛ اشتاینبرگ و همکاران ۱۹۹۵، به نقل از تری، ۲۰۰۴). باتوجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین اقتدار و مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال انجام گرفت.

اهمیت انجام پژوهش حاضر این است که والدین باید به شیوه های تربیت اثربخش توجه کافی داشته باشند و با تجدید نظر مستمر در تجربه های تربیتی خود، شیوه های معیوب تربیتی را کنار گذاشته و به شیوه های مؤثر و کارآمدتر روی آورند، چرا که مداخله اقتدار والدین می تواند به عنوان یک مداخله سودمند در جهت افزایش مسئولیت پذیری کودکان مورد استفاده قرار گیرد. اگر شیوه های تربیتی اصلاح شوند، مشکلات رفتاری فرزندان نیز اصلاح خواهد شد و خروجی های رفتاری مثبت در آن ها افزایش خواهد یافت.

بررسی پیشینه ی پژوهش بیانگر این است که بین سبک فرزند پروری والدین و مسئولیت پذیری فرزندان رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش لنزی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند خانواده در شکل گیری مسئولیت پذیری در نوجوانان تأثیرگذار است. آنان گزارش کردند بین سبک فرزند پروری مقتدرانه والدین و مسئولیت پذیری فرزندان رابطه مثبت وجود دارد. ایواری و همکاران (۲۰۱۵) بر اساس نتایج پژوهش خود گزارش کردند هر چقدر خانواده از کارکرد و عملکرد مطلوب تری برخوردار باشد، میزان مسئولیت پذیری فرزندان افزایش میابد. همچین زرین و فیاض (۱۳۹۴) به این نتیجه دست یافتند که آموزش و آگاهی والدین از نحوه برخورد صحیح با فرزندان خود و روش اقتدار منطقی و برخورد مناسب با فرزندان می تواند فرصت بهتری برای افزایش مسئولیت پذیری در اختیارشان قرار دهد.

هدف از پژوهش حاضر تعیین بررسی رابطه بین اقتدار والدین و مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال است. هدف از این تحقیق مشخص کردن نقاط قوت و ضعف فرزند پروری مقتدرانه است، که خانواده ها بتوانند با استفاده آگاهانه از بهترین روش تربیتی، بالاترین تأثیر مسئولیت پذیری را در فرزندان خود ایجاد کنند، می باشد. در این تحقیق سعی گردید تا نتایج، روش و شیوه های موجود، تشریح و بهترین روش به مطالعه کنندگان (خانواده ها، مدرسین آموزش خانواده، دست اندرکاران امور تربیتی در محیط های آموزشی) با دلایل علمی و منطقی معرفی گردد.

این پژوهش به بررسی این فرضیه می پردازد:

بین اقتدار والدین و مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال رابطه وجود دارد.

**14th International conference ON
PSYCHOLOGY
OF EDUCATION SCIENCES AND
LIFESTYLE**

Tbilisi - Georgia

September 15, 2024



روش تحقیق :

این پژوهش به روش توصیفی (از نوع همبستگی) انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال منطقه ۵ شهر اصفهان در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ است. نمونه این پژوهش شامل ۲۰۰ کودک (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر)، به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه ها به صورت گروهی در اختیار آنان گذاشته شد تا به سؤالات پاسخ دهند. ابزار های پژوهش عبارت اند از:

مقیاس اقتدار والدین: پرسشنامه اقتدار والدینی (PAQ) توسط جان آر. بوری ساخته شده است که از ۳۰ گویه و ۳ خرده مقیاس سبک آسان گیر (۱۰ سوال)، سبک مستبدانه (۱۰ سوال) و والدین سبک مقتدر منطقی (۱۰ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش اقتدار والدین بکار می رود. فرم های پدر و مادر به جز با اشاره های مناسب به واژه پدر یا مادر یکسان هستند. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۵ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «شدیداً مخالف»، «مخالف»، «بی تفاوت»، «موافق» و «شدیداً موافق» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می شود. این پرسشنامه دارای ۳ بعد بوده که در جدول زیر ابعاد و نیز شماره سؤالات مربوط به هر بعد ارائه گردیده است:

ردیف	خرده مقیاس	سؤالات	تعداد سوال
۱	سبک آسان گیر	۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸	۱۰
۲	سبک مستبدانه	۲-۳-۷-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹	۱۰
۳	سبک مقتدر منطقی	۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰	۱۰

نتایج پژوهش های اسفندیاری، (۱۳۷۴)، رضایی، (۱۳۷۵) و مهرافروز، (۱۳۷۸) به نقل از فراهانی (۱۳۸۶)، نشان دادند که این پرسشنامه از مشخصه های روانسنجی مناسب برای اندازه گیری دیدگاه اولیه بامریند (۱۹۷۱) در زمینه شیوه های فرزندپروری می باشد (اژه ای و همکاران، ۱۳۹۰).

بوری آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای سبک مقتدر منطقی ۸۵/۰، سبک مستبدانه ۸۷/۰ و آسان گیر ۷۴/۰ گزارش نموده است. اژه ای و همکاران در جدیدترین پژوهش آلفای این مقیاس را برای سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیر به ترتیب ۸۹/۰، ۹۵/۰ و ۸۴/۰ گزارش نموده اند. در پژوهش سپهریان آذر و همکاران (۱۳۹۲) نیز ضریب همسانی درونی این مقیاس با آلفای کرونباخ به ترتیب ۷۲/۰، ۷۳/۰ و ۷۰/۰ به دست آمد.

پرسشنامه اقتدار والدینی با دامنه ضرایب آلفا از ۷۴/۰ تا ۸۷/۰ برای خرده مقیاس ها، از همسانی درونی خوبی برخوردار است. ثبات PAQ با پایایی بازآزمایی با طول مدت ۲ هفته با دامنه ضرایب از ۷۷/۰ تا ۹۲/۰، نیز خیلی خوب است.

بوری (۱۹۹۱) برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده نموده و نتایج آن بدین صورت است که سبک آمرانه مادر با سبک سهل گیر مادر رابطه معکوس (۰/۳۸-)، سبک آمرانه پدر با سبک سهل گیر پدر رابطه معکوس



(۵۰/۰-)، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس (۴۸/۰-)، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس (۵۲/۰-) داشت، در حالی که سبک اقتداری مادر با سبک سهل گیر مادر (۰۷/۰) و سبک اقتداری پدر با سبک سهل گیر پدر (۱۲/۰) همبستگی مثبت غیر معنادار داشتند. این پرسشنامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) ترجمه و با تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. روایی محتوای پرسشنامه براساس داوری ۱۰ صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روانپزشکی خوب گزارش شده است (بشارت و همکاران، ۱۳۹۰).

اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را که بعد از گذشت یک هفته از اجرای اولیه، مجدداً از ۱۲ نفر از مادران نمونه مورد مطالعه، خواسته بود تا پرسشنامه را تکمیل کنند برای شیوه سهل گیر (۶۹/۰)، برای شیوه آمرانه (۷۷/۰) و برای شیوه اقتداری (۷۳/۰) بدست آورده است (بشارت و همکاران، ۱۳۹۰).

مقیاس سنجش مسئولیت پذیری: برای سنجش مسئولیت پذیری، از خرده مقیاس سنجش مسئولیت پذیری گرفته شده از پرسشنامه روان شناختی کالیفرنیا استفاده شد. تعداد ۴۲ سؤال مربوط به مقیاس مسئولیت پذیری از میان ۴۶۲ سؤال پرسشنامه اصلی استخراج و مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه نخستین بار توسط هاریسون گاف در سال ۱۹۵۱ با ۶۴۸ سؤال و ۱۵ مقیاس برای سنجش ۱۵ ویژگی شخصیتی ارائه گردید، سپس در سال ۱۹۵۷ مقیاس های آن به ۱۸ و بار دیگر در سال ۱۹۸۷ توسط وی ویرایش شد و تعداد سؤال های آن به ۱۶۲ و تعداد خرده مقیاس های آن به ۲۰ خرده مقیاس افزایش یافت. مقیاس مسئولیت پذیری پرسشنامه کالیفرنیا دارای ۴۲ سؤال بوده که با هدف سنجش میزان مسئولیت پذیری افراد بهنجار ۱۲ سال به بالا تهیه و آزمودنی ها به صورت موافقم و مخالفم به سؤال های آن پاسخ می دهند. ضرایب پایایی مقیاس سنجش مسئولیت پذیری در پژوهش رضایی (۱۱) برابر ۰/۶۵ و در مطالعه محمودی (۱۲) برابر ۰/۶۴ به دست آمد. در مطالعه حاضر ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۶ تعیین شد.

رضایت و علاقه مندی شرکت کنندگان در مطالعه، داشتن توانایی جهت در اختیار گذاشتن اطلاعات، تجربیات خود و کودک ۱۰ تا ۱۲ سال یکی از دبستان های شهر اصفهان، از معیارهای ورود به مطالعه بود. کسانی که به طور ناقص به پرسشنامه ها پاسخ دادند از مطالعه حذف شدند. ابتدا برای انجام پژوهش از مدیران دبستان های منطقه ۵ شهر اصفهان اجازه گرفته شد، سپس توضیحات لازم در مورد اهداف و ماهیت پژوهش توسط پژوهشگر به شرکت کنندگان ارائه گردید و در مورد محرمانه ماندن اطلاعات موجود در پرسشنامه نیز به آنان اطمینان داده شد و تأکید گردید نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی در پرسشنامه نیست. آزمودنی ها داوطلبانه در مطالعه شرکت دادند و به آن ها این فرصت داده شد تا هرگونه سؤال راجع به تحقیق را بپرسند. تمامی مطالب مورد استفاده از منابع علمی و با ذکر ماخذ آن ها ارائه گردید.

پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک کودک ۱۰ تا ۱۲ سال شامل: اطلاعاتی از قبیل سن، جنس، تحصیلات والدین و...، از طریق مصاحبه با والدین فرزندان در پرسشنامه ثبت گردید. داده ها با استفاده از روش همبستگی و رگرسیون چندگانه به روش همزمان (جهت بررسی تأثیر شیوه های فرزندپروری والدین بر مسئولیت پذیری دانش آموزان) و آزمون تی مستقل (برای

14th International conference ON
PSYCHOLOGY
OF EDUCATION SCIENCES AND
LIFESTYLE

Tbilisi - Georgia

September 15, 2024



بررسی تفاوت شیوه های فرزندپروری در دو گروه دختر و پسر (تحلیل شدند. در این پژوهش شیوه های فرزندپروری آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی به عنوان متغیرهای پیش بین، مسئولیت پذیری و ملاک در نظر گرفته شدند.

یافته ها :

متغیر های پیش بین	متغیر	متغیر ملاک میانگین	(مسئولیت پذیری)	انحراف استاندارد
آسان گیر	آسان خنگیر (۱۰۰ نفر)	۴۵/۱۸	(۱۰۰ نفر)	۷/۶
مستبدانه	ضریب همبستگی سطح معناداری	۲۸/۲۶	سطح معناداری	ضریب همبستگی سطح معناداری
مقتدر منطقی	مقتدر منطقی (۱۰۰ نفر)	۵۰/۰	۳۰۶/۰	۲۷/۶
مستبدانه	مسئولیت پذیری (۱۰۰ نفر)	-۷۳/۲۹	۰۰۱/۰	-۳۰/۴
مقتدر منطقی	۷۲۰/۰	۰۰۰/۰	۰۰۰/۰	۶۵۰/۰

جدول شماره ۱) میانگین و انحراف استاندارد اقتداروالدین و مسئولیت پذیری

از مقایسه میانگین های شیوه های فرزند پروری والدین مشخص گردید میانگین نمره سبک اقتدار منطقی بیشتر از دوسبک آسان گیر و مستبدانه بوده است. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۲) ضرایب همبستگی بین اقتداروالدین و مسئولیت پذیری

بین نمره مسئولیت پذیری با اقتدار والدین رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۱ وجود داشت. مقدار ضریب همبستگی سبک آسان گیر و مستبدانه به ترتیب ۰/۲۲۶ و ۰/۳۰۰- بود که نشان دهنده رابطه مثبت، ولی نه چندان قوی بین سبک آسان گیروالدین، مسئولیت پذیری کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال و رابطه معکوس بین مسئولیت پذیری و سبک مستبدانه والدین بود. ضریب همبستگی سبک اقتدار منطقی والدین، ۰/۶۵۰ به دست آمد که نشان دهنده رابطه قوی بین مسئولیت پذیری و سبک اقتدار منطقی بود. همچنین مقدار ضریب همبستگی بین سبک آسان گیر و مسئولیت پذیری فرزندان دختر، ۰/۲۵۱ به دست آمد و مقدار ضریب همبستگی بین سبک آسان گیر و مسئولیت پذیری فرزندان پسر، ۰/۱۰۵ تعیین گردید که نشان دهنده عدم رابطه بین آن ها بود. بین نمره مسئولیت پذیری کودکان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ سال با سبک های مستبدانه و اقتدار منطقی والدین نیز رابطه معناداری در سطح اطمینان ۰/۱ وجود داشت که منفی بودن ضریب همبستگی سبک مستبدانه، رابطه معکوس بین مسئولیت پذیری کودکان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ سال و سبک مستبدانه والدین را نشان می داد (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۳) نتایج رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان برای تعیین قدرت پیش بینی تاثیر اقتدار والدین با مسئولیت پذیری



جنسیت	متغیر پیش بین	B	آماره آزمون t	سطح معنی داری (Sig)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	آماره آزمون (F)	سطح معنی داری
دختر (۱۰۰ نفر)	آسان گیر	۰۲۴/۰	۳۳۴/۰	۷۳۷/۰	۷۹۰/۰	۶۲۴/۰	۵۳۰/۰	۰۰۰/۰
	مستبدانه	-۳۴۸/۰	-۲۰۰/۵	۰۰۰/۰				
	اقتدار منطقی	۷۱۶/۰	۰۴۷/۱۰	۰۰۰/۰				
پسر (۱۰۰ نفر)	آسان گیر	۰۷۵/۰	۸۶۵/۰	۳۹۰/۰	۵۸۰/۰	۳۳۶/۰	۳۵۹/۱۶	۰۰۰/۰
	مستبدانه	-۲۹۸/۰	-۴۷۰/۳	۰۰۱/۰				
	اقتدار منطقی	۴۶۵/۰	۴۵۰/۵	۰۰۰/۰				
کل (۲۰۰ نفر)	آسان گیر	۰۸۷/۰	۵۳۶/۱	۱۲۶/۰	۷۱۲/۰	۵۰۶/۰	۸۴۰/۶۷	۰۰۰/۰
	مستبدانه	-۳۱۲/۰	-۹۱۷/۵	۰۰۰/۰				
	اقتدار منطقی	۶۰۷/۰	۱۲۷/۱۱	۰۰۰/۰				

باتوجه به سطح معنی داری سبک های مستبدانه و اقتدار منطقی قابل مشاهده در جدول مقدار B سبک های مستبدانه و اقتدار منطقی والدین در دو جنس دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ سال، معنی دار بود. سبک مستبدانه والدین به صورت منفی و سبک اقتدار منطقی به صورت مثبت توانستند مسئولیت پذیری کودکان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ سال را پیش بینی کنند؛ درحالیکه سبک آسان گیر والدین نقش بسیار اندکی در پیش بینی مسئولیت پذیری کودکان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۲ سال داشت. (جدول شماره ۳)

بحث و نتیجه گیری:

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین اقتدار والدین و مسئولیت پذیری کودکان انجام شد. با توجه به نتایج، بین نمره مسئولیت پذیری با شیوه اقتدار والدین، رابطه معنی داری در سطح اطمینان وجود دارد. مقدار بتای شیوه های اقتدار والدین نیز معنی دار بود؛ بنابراین شیوه اقتدار والدین به صورت مثبت توانستند مسئولیت پذیری فرزندان را پیش بینی کنند. این یافته ها با نتیجه تحقیقات خانم سمانه دخانچی و آقای امید عیسی نژاد و همکاران همسو است که نشان داد فرزند پروری مقتدرانه بر حس مسئولیت فرزند تاثیر مثبت دارد و در کاهش مشکلات رفتاری نیز اثرگذار است. بامریند دریافت والدین قاطع بچه هایی دارند که اغلب سازگار، خوشرو، مسئولیت پذیر و متکی به خود هستند و جهت گیری هایشان نیز به سمت پیشرفت است. آن ها وقتی به سن نوجوانی می رسند، به طور قاطعانه رفتار کرده، خونگرم و اجتماعی هستند. در این خانواده ها به استقلال فردی تأکید می شود، بدین ترتیب هریک از اعضای خانواده، وظایف و مسئولیت های متفاوتی دارند؛ از این رو باید تمام اعضای خانواده با مسئولیت پذیری در خانواده بتوانند کارکردهای فردی خویش را انجام دهند تا در نهایت، کارکرد خانواده مختل نگردد. این گونه آموزش ها می تواند مسئولیت پذیری را در



فرزندان تقویت کرده و مفهوم اولیه انضباط اجتماعی و عدالت اجتماعی را نیز در آن ها پرورش دهد. در خانواده های دموکراتیک، استقلال فردی اهمیت داشته و چنانچه هر عضو از اعضای خانواده وظیفه ای را به عهده بگیرد از حق و حقوق خاص نیز برخوردار است و ارتباط دوسویه ای بین فرزندان با محیط خانواده وجود دارد.

نتایج این پژوهش می تواند اطلاعات مهمی را برای والدین داشته باشد. هرچه والدین با ظرافت و مهربانی بیشتری به نیازها و خواسته های فرزندانشان توجه کنند، این امر امنیت عاطفی، استقلال، پتانسیل اجتماعی و مسئولیت پذیری را افزایش می دهد. پیشنهادات به شرح زیر ارائه می گردد:

۱. استفاده قطعی والدین از شیوه اقتدار در فرزند پروری تا کودکان مسئولیت پذیر شوند.
۲. بررسی و شناسایی مشکلات ناشی از فقدان یا کاهش میزان مسئولیت پذیری دانش آموز در موقعیت های متفاوت زندگی مانند عملکرد تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی و مانند آن؛
۳. در خصوص تاثیر عوامل اجتماعی و فردی و اقتصادی و فرهنگی بر روی مسئولیت پذیری کودکان مطالعات و بررسی های بیشتری صورت گیرد.
۴. بررسی نقاط قوت و ضعف شیوه اقتدار والدین در مسئولیت پذیری نوجوانان و بزرگسالان

تشکر و قدردانی :

پژوهش حاضر با کمک و همکاری شرکت کنندگان مثمر ثمر واقع شد و بدین صورت از کلیه شرکت کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می آید.



منابع :

- انزلیچی، ش.، سیف، ع.، نوابخش، م.، و بهرامی، ه. (۱۳۹۹). مقایسه انسجام سبک فرزند پروری مقتدرانه، تعادل و ارتباط عاطفی در خانواده های جوانان زندانی و غیر زندانی. مطالعات میان فرهنگی، ۴۳(۱۵)، ۱۰۹-۱۳۲.
- دهقان منشادی، م.، بابری، ر.، و همتی، ح. (۱۴۰۲). طراحی الگو رشد مسئولیت پذیری دانش آموزان مدارس ابتدایی براساس نظریه داده بنیاد. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱(۱۲)، ۴۷۸-۴۵۱.
- سیدجمال، ب.، و احمدحیدری، پ. (۱۳۹۹). مسئولیت پذیری اجتماعی راهی برای اثربخشی مدارس. مدیریت مدرسه (Journal of School administration)، ۸(۴)، ۴۰۵-۳۸۴.
- جباری، ر.، ساعدی، ع.، ظهرا، نیا، الف.، و رحمتی، ص. (۱۴۰۰). بررسی اثر بخشی واقعیت درمانی به شیوه گروهی بر سلامت عمومی و مسئولیت پذیری تو جوانان بی سرپرست و بد سرپرست. مطالعات ناتوانی، ۱(۱۱)، ۰-۰.
- کاظمی خوبان، ز.، حکمی، م.، و صیرفی، م. (۱۳۹۵). پیش بینی مسئولیت پذیری بر اساس جهتگیری هویت و عملکرد خانواده در نوجوانان. پژوهشهای روانشناسی اجتماعی، ۲۱(۶)، ۷۷-۹۰.
- صالح نژاد بهرستاقی، ص.، رسولی، ع.، و سلیمی، ل. (۱۴۰۱). ارائه الگوی مسئولیت پذیری اخلاقی مبتنی بر آموزش های آنلاین برای نوجوانان. انجمن جامعه شناسی آموزش و پرورش ایران، ۱(۱۵)، ۲۶۵-۲۷۶.
- زرین جوی الوار، م.، و فیاض، الف. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین روش های تربیتی مادران با مسوولیت پذیری دانش آموزان (با تاکید بر آموزه های تربیت اسلامی). مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲(۳)، ۳۷-۶۰.
- شیری، ر.، سوری زاده، خ.، عباسی عطا آبادی، ز.، و عباسی، ز. (۱۴۰۲). راهکارهای ایجاد مسئولیت پذیری دانش آموزان در محیط مدرسه (با تاکید بر نقش خانواده). اولین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده.
- طهرانی مقدم، ح.، و شریعت باقری، م. (۱۳۹۶). مسوولیت پذیری و راهکارهای ارتقاء آن در نوجوانان دانش آموز. کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، (۲).
- غفاری، ع.، و فصل علی، م. (۱۴۰۲). رابطه سبک های فرزند پروری مادران با اهمال کاری و جرات وزی تهران دختران ۸ تا ۱۲ ساله شهر ساری.
- جان فیلیپ، لوییس، و کارن مک دونالد، لوییس (۲۰۱۲). فرزند پروری با کفایت. محل نشر: انتشارات ارجمند
- محمدزاده، م. (۱۴۰۰). رابطه مکانیزم های دفاعی و مسئولیت پذیری با اعتیاد پذیری. شباک، ۶(۶۳)، ۱۷۹-۱۸۸.

Arslan, G., & Wong, P. T. (2022). Measuring personal and social responsibility: an existential positive psychology approach. *Journal of Happiness and Health*, 2(1), 1-11.

SAGINDIKOVA, N. RESPONSIBILITY AND ITS MANIFESTATION IN YOUTH PSYCHOLOGY.



- Reeves, J., Reynolds, S., Coker, S., & Wilson, C. (2010). An experimental manipulation of responsibility in children: A test of the inflated responsibility model of obsessive-compulsive disorder. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41(3), 228-233.
- Dementiy, L., Grogoleva, O. The Structure of Responsibility of Preschool and Primary School Age Children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 233 372 – 376(2017),
- Martinez, I., Garcia, F., Veiga, F., Garcia, O. F., Rodrigues, Y., & Serra, E. (2020). Parenting styles, internalization of values and self-esteem: A cross-cultural study in Spain, Portugal and Brazil. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 17(7), 2370.
- Perez-Gramaje, A. F., Garcia, O. F., Reyes, M., Serra, E., & Garcia, F. (2019). Parenting styles and aggressive adolescents: Relationships with self-esteem and personal maladjustment. *European Journal of Psychology Applied to Legal Context*, 12(1), 1-10.
- Over, H., Vaish, A., & Tomasello, M. (2016). Do young children accept responsibility for the negative actions of ingroup members?. *Cognitive Development*, 40, 24-32.
- Ortega, B., Mateo, A., Jimeno, M. V., & Ricarte, J. J. (2023). Age and gender differences in perceived parenting styles and emotional outcomes in early adolescents. *Journal of Family Issues*, 44(2), 498-514.
- Krupić, D., Ručević, S., & Vučković, S. (2023). From parental personality over parental styles to children psychopathic tendencies. *Current Psychology*, 42(19), 16001-16010.
- Lin, W., Liu, J., Xiang, S., Cai, J., Xu, J., & Lian, R. (2024). The relationship between a positive parenting style and chinese adolescents' academic grit: A parallel mediating model. *Current Psychology*, 43(1), 272-280.
- Ping, Y., Wang, W., Li, Y., & Li, Y. (2023). Fathers' parenting stress, parenting styles and children's problem behavior: The mediating role of parental burnout. *Current Psychology*, 42(29), 25683-25695.
- Yang, J., & Zhao, X. (2020). Parenting styles and children's academic performance: Evidence from middle schools in China. *Children and Youth Services Review*, 113, 105017.
- Yaffe, Y. (2023). Is authoritative parenting the dominant style in the contemporary western family? A report on a cross-cultural Israeli sample. *Psychological Studies*, 68(1), 24-32.



Investigating the relationship between parental authority and children's responsibility of 10-12 years old, district 5 of Isfahan city, year 1402-1403

Aida Panahi Kia¹, Saghar Salehi², Nika Salimi³, Haniyeh Najafi⁴

Abstract

One of the important issues in educational psychology is to pay attention to the issue of responsibility regarding human growth and development. The reason for the great importance of the principle of responsibility is that it causes proper interaction between people, and issues that cannot be solved by governments, social, political organizations, etc., can be solved by changing people's lifestyles. Family as the smallest social institution. It plays an important and influencing role in the responsibility of children, youth and even adults. The purpose of this research was to determine the relationship between parental authority and the sense of responsibility of children aged 10 to 12 years old in district 5 of Isfahan city. This study was conducted using a descriptive method (correlation type) on 200 children aged 10 to 12 years old in district 5 of Isfahan city in the academic year of 2002-1403. 10-12 year old children were selected by random cluster sampling method. And Harrison Goff's accountability questionnaire and Buri's parental authority questionnaire PAQ were used. The data were analyzed using spss software series 26 from inferential statistics of correlation, multiple regression by simultaneous independent t method. Based on the findings of the present research, there is a relationship between authoritative parenting style and responsibility. The results of this study showed that investigating the relationship between parental authority and responsibility of 10-12-year-old children can be effective, and parental authority has a more positive effect on children's responsibility.